

تیتراژ امروز

حاج آقا مرتضی تهرانی دارفانی را وداع گفت

تهران
در سوگ استاد

■ پیام تسلیت رهبر انقلاب:
 عمر با برکت این فقیه عالم‌القدر و سالک الهی الله سرشار از نورانیت و صفا و خدمت به دین و اخلاق بود و جمع زیادی از جوانان پاک‌نهاد و فاضل از سرچشمه فضائل علمی و اخلاقی ایشان بهره‌مند گشته و در صراط مستقیم ثبات یافته‌اند



صفحات ۱۲ و ۱۳

سیاست اشتباه ارزی، بانک مرکزی را در باره ارز مسافرتی‌های خارجی سرگردان کرده است

ارز مسافری می‌رود؟

صفحه ۲
 در دهمین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده مؤسسه مالی - اعتباری

متهم ثامن الحجج بانک مرکزی را متهم کرد

صفحه ۳

دیدگاه

بایسته‌های شیفت گفتمانی دولت

محمد سلامتی

«مذاکره با آمریکا» آن هم ذیل استراتژی «تبدیل دشمن به دوست»، تئوری و گزاره‌ای بود که از سوی برخی افراد خوشبین به کاخ سفید در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما به نقشه راه دولت در حوزه سیاست خارجی تبدیل شد. این خوشبینی کاذب در حالی روز به روز بیشتر در میان برخی مقامات دولتی متبلور می‌شد که در دوران اوباما بدترین تحریم‌های یک‌جانبه و ثانویه علیه کشورمان اعمال شد و راهاندازی جنگ‌های نیابتی (از طریق تانسیس گروه‌های تروریستی - تکفیری‌ای مانند داعش و جبهه النصره) نیز در منطقه غرب آسیا در دستور کار رئیس‌جمهور سابق آمریکا قرار گرفت. در هر حال، «دل بستن به اوباما» و دل‌خوش کردن به لبخندهای جان کری و متعاقباً اعتماد به قول‌ها و تعهدات ظاهری واشنگتن در برجام، هزینه‌های زیادی برای کشورمان به همراه داشت؛ هزینه‌هایی که همچنان در حال تحمل و پرداخت آنها هستیم. متعاقب سرکار آمدن دونالد ترامپ، شاهد پردرمداری از شکل‌گیری دشمنی ایالات متحده با ایران بودیم. رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا اردیبهشت‌ماه امسال از توافق هسته‌ای خارج شد و دیگر بازیگران بین‌المللی را درباره قطع مراودات تجاری با ایران ترغیب و البته تهدید کرد. برآستی در این شرایط خاص، وظیفه دولت و بویژه دستگاه سیاست خارجی کشورمان چیست؟ آیا می‌توان در مواجهه با شرایط موجود، بار دیگر به دوگانه «مومکرات - جمهوری خواه» یا «آمریکا - اروپا» دل بست؟ آیا با توجه به تجربیاتی که طی ۳ سال اخیر و فراتر از آن، در طول ۴۰ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشته‌ایم، تاریخ مصرف خلق و تکیه بر این دوگانه‌های کاذب به پایان نرسیده است؟ آیا زمان آن نرسیده است دولت به جای «شیفت تاکتیکی» برابر تحولات جاری در غرب و بویژه در قبال فضای داخلی آمریکا، «شیفت گفتمانی» برابر ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپایی را مورد توجه و استناد قرار دهد؟ بدون شک، «شیفت گفتمانی دولت» در قبال غرب، بایسته‌ها و مولفه‌هایی دارد که در صورت توجه به آنها، می‌توان «منازعه با آمریکا» را هدایت و مدیریت کرد.

ادامه در صفحه ۵



رهبر انقلاب در دیدار وزیر امور خارجه، سفیران و مسؤولان نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تشریح کردند

درس خارج

■ مذاکرات با اروپایی‌ها قطع نشود اما نباید معطل بسته اروپایی مانده
 ■ سخنانی رئیس‌جمهور مبنی بر اینکه «اگر نفت ایران صادر نشود، نفت هیچ کشوری در منطقه صادر نخواهد شد» سیاست و رویکرد نظام است

کرامتی / Khamenei.ir

مختصات برجام اروپایی از زبان خانم صدراعظم

از این موضوع، مربوط به ساختار اقتصادی اروپا و غلبه قدرت بخش خصوصی بر بخش دولتی بوده و بخشی دیگر از آن، به اراده کشورهای اروپایی بازمی‌گردد. بر همان مسجل است کشورهای اروپایی قصد دارند همچنان «برجام» را به عنوان یک «وجه‌المصالحه سیاسی» در قبال دولت دونالد ترامپ در آمریکا حفظ کنند. از این رو تروئیکای اروپایی و به طور کلی اتحادیه اروپایی، قصد و اراده‌ای مبنی بر تعیین تکلیف برجام ندارند. چنانکه از اظهارات مرکل برمی‌آید «برجام اروپایی» به مثابه پاره‌خطی است که در میان ۲ نقطه «کسب امتیازات بیشتر از ایران» و «عدم تضمین دهی اروپا» محصور شده است. بدون شک، هیچ‌یک از مقامات اروپایی نمی‌توانست به صورتی شفاف‌تر از آنچه مرکل بیان کرده است، مختصات «برجام اروپایی» را ترسیم کند؛ نکته جالب توجه اینکه دستگاه دیپلماتی و سیاست خارجی کشورمان همچنان نسبت به «برجام اروپایی» و انعقاد آن امید دارد و اطمینان امر این است که هیچ‌گونه نشانه و سیگنالی مبنی بر «تضمین دهی اروپا» در قبال برجام وجود ندارد. از سوی دیگر، اتحادیه اروپایی با ارائه بسته پیشنهادی اخیر (آن هم ۲ ماه پس از خروج ترامپ از برجام) نشان داد اساساً کمترین اراده‌ای درباره حفظ واقعی توافقی هسته‌ای ندارد. بخشی



از سخن تا به عمل یک قدم است

یادداشت امروز

وقتی خواب‌ماندگان جهان چند قطبی همچنان روسیه را بلوک شرق می‌پندارند

«غرب و شرق» زدگان

شروین طاهری

از عجایب عالم «ژورنالیسم بنفش» یکی هم اینکه آنهایی که روی تابلوی دکان‌شان حک شده «شرق»، خود از شرق نالانند. روزنامه «شرق» و سایر رسانه‌های اقماری تحت هماهنگی مشاوران رسانه‌ای دولت فخیمه از لندن تا تهران، این روزها خوراک خوبی برای ضحمله به منتقدان دیپلماتی سراپا غربی ورشکسته دولت فخیمه پیدا کرده‌اند. حال که کاخ خیالی‌شان، برجام فرو ریخته و سراب بهشت آمل‌شان در افاق غربی بر اثر جزئی‌های ترامپ و فرومایگی سیاسی انگلیس و فرانسه و آلمان در حال محو شدن است، ناگهان فیل‌شان یاد هندوستان می‌کند و از شعار «نه غزه، نه لبنان» که نفی تام و تمام میثاقی انقلاب اسلامی بود، رجعتی سراسیمه و البته سرپایی به محوری‌ترین شعار همان انقلاب یعنی «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» می‌یابند. عجیب‌تر آنکه فقط «شرق» و جبهه رسانه‌ای لیبرال داخلی نیست که تلاش دارد مختصات عصر یخبندان دوران جنگ سرد را زنده کند، بلکه بی‌بی‌سی هم در هماهنگی کامل با دفتر تهران، همین سوز را تیتیر می‌کند. بنیاد خبرپراکنی ملکه با همان سیاست مزورانه و یک بام و دو هوای همیشگی به دفاع از شعار «نه شرقی، نه غربی» انقلابیون ایران برخاسته است؛ به عنوان مثال این شبکه که با سابقه همدستی تاریخی‌اش در کودتای ۲۸ مرداد تا همین اواخر سعی داشت با تخریب دکتر مصدق، دکتر فاطمی و نهضت ملی کردن صنعت نفت، رفتار ننگ‌آور خود را توجیه کند، این شبها به پخش مستندی درباره دکتر مصدق می‌پردازد که در آن برخلاف رویه حرفه‌ای مورد ادعای بی‌بی‌سی مبنی بر «تقدس‌زدایی» از هر چیز، او در حاله‌ای از تقدس تصویر شده است، تنها برای آنکه از نخست‌وزیر ساقط شده توسط بریتانیا، آمریکا و رژیم پهلوی، چهره‌ای سمبلیک در مواجهه با مقامات نظام جمهوری اسلامی ایران ساخته شود.

کسانی که این روزها دم از احیای سیاست خارجی «نه شرقی، نه غربی» جمهوری اسلامی می‌زنند همان‌هایی هستند که سال‌های سال رقبای سیاسی داخلی را متهم می‌کردند می‌خواهند ارزش‌ها را مصادره به مطلوب کنند و حالا خود صرفاً به این اعتبار سنگ شعار انقلابی نمادین روی کتلی‌کاری سردر وزارت امور خارجه را به سینه می‌زنند که این نهاد فعلاً در تصرف‌شان است و بساط مصادره به مطلوب همه چیز به ظرف‌ترین شکل ممکن مهیاست. قضیه وقتی جالب‌تر می‌شود که بدانیم آنهایی که هم‌زمان در «شرق» و «بی‌بی‌سی»، خط فعلی را در پیش گرفته‌اند - به گواهی آرشیو این روزنامه - سابقه همکاری دارند و غالباً نوجه‌های صاحبان مکتب روزنامه‌نگاری استحاله (Transmutive Journalism) بوده‌اند؛ آنهایی که همین امروز در سمت مشاورت قوه مجریه جمهوری اسلامی، به جد تز «پایان اسلام سیاسی» و طبعاً «پایان جمهوری اسلامی» را با سینه زدن زیر علم شبه‌فلسوفی که به دنبال تئوریزه کردن «سلطنت اسلامی» است، دنبال می‌کنند. سیدجواد طباطبایی، نظریه‌پرداز با معیارهای یوروستریک است که امروز همان جایگاهی را در رسانه‌های داخلی و خارجی این طیف دارد که زمانی عبدالکریم سروش به عنوان شبه‌فلسوفی مسلمان اما استحاله‌گر میانی اسلامی داشت. ایده «ایران شهری» طباطبایی که رجعتی به ناکجاآباد تاریخ است، قوچانی و طیف او را خوش آمده چون کورش‌گرایی موهوم برآمده از آن از اساس با مفهوم جهانی و فراملی انقلاب اسلامی ایران منافات دارد. این در عین حال مبنایی تئوریک است برای شعار محبوب این خط یعنی «نه غزه، نه لبنان»؛ شعاری که با هدف خیانتی آشکار برای تبدیل نظامی برون‌گرا و حاضر در معادلات منطقه‌ای و جهانی به کشوری منزوی، درون‌گرا و درگیر با گذشته خویش طراحی شده بود. اما آنچه هر ایرانی باشرقی را برآشفته می‌کند، حتی دغدغه خیانت نیست، بلکه پرپی مشاوران این دولت از تحولات جهانی است. دولتی که ۵ سال را حرام معامله با کدخدایی کرد که عملاً دیگر کنترلی بر جهان ندارد و فقط از کدخدایی، قلدری و زیر میز زدن برایش مانده است.

ادامه در صفحه ۵